



گفت‌وگو با امین زندگانی به بهانه بازی در نمایش مرثیه‌ای برای یک دراکولا

هر نمایش انتقاد به یک وضعی است

باید به هر حال ببینیم طیف مخاطب سینما، تلویزیون و تئاتر یک مقدار خاص است؛ یعنی مخاطب تلویزیون عام‌تر است، سینما یک مقدار خاص می‌شود و تئاتر خیلی خاص‌تر. اما این را باید بپذیریم در عصر کنونی، ما که سبب تئاتر طولانی نداریم و مثل کشورهای اروپایی تئاتر در مملکت‌مان ریشه ندارد، یعنی جزو دغدغه‌های زندگی یک انسان نیست و جزو تفریحات و تجملات به حساب می‌آید و حتی مدیران فرهنگی هنوز هم به تئاتر به‌عنوان هنر تجملاتی نگاه می‌کنند، پس حضور یک‌سری چهره‌ها باعث می‌شود آدم‌هایی که تا دیروز نمی‌دانستند ساختمان گرد در چهارراه ولیعصر چیست، متوجه شوند جایی هست به اسم تئاتر شهر که سالن‌هایی دارد و در آن نمایش اجرا می‌شود. خوب چه کسانی می‌توانند این طبقه از مردم و مخاطب را وارد تئاتر بکنند که دارد وارد عرصه بی‌بینی خودش می‌شود (یعنی تئاتر دارد یک گردش مالی سالانه بالایی پیدا می‌کند)؟ به نظر من چهره‌های تلویزیونی و سینمایی هستند. حال که بعضی از آنها سابقه تئاتری ندارند و وارد می‌شوند، کما این‌که خیلی‌ها از تئاتر به سینما آمده‌اند، بازیگران زیادی بودند که رفتند و نگاتیو مصرف کردند و تجربه کرده‌اند و بازیگر سینما شده‌اند. من فکر نمی‌کنم که این دادوستد خطری برای طرف داشته باشد، چون وقتی در دانشگاه‌های تخصصی ما برای این که شما یک مدرک کارشناسی بازیگری بگیرید، در کل دوره کارشناسی درس تخصصی بازیگری‌تان چیزی بیشتر از ۵۰ یا ۶۰ ساعت نیست، خیلی فکر نمی‌کنم آن بازیگری که در سینما به‌عنوان مثال پنج‌سال است که کار می‌کند و ۱۰ تا فیلم هم بازی کرده است، بخواهیم ساعت‌های کاری‌اش را جمع بزنیم، انگار آن دوره را سپری کرده است. سالن‌های تئاتر ما و اجرایی که می‌کنیم خیلی ابزار خاص بازیگر تئاتر را نیاز ندارد و یکی دو سالن است که بیان مناسب می‌خواهد. فکر می‌کنم محاسن و مزایای بیش از آن نگرانی‌هایی است که بچه‌های تئاتر دارند. به نظر من فضای کار برای همه گسترده است. اگر این اعتراض را بازیگران سینما داشتند که چرا الان سینما برای داشتن بازیگران جدید از تئاتر تغذیه می‌کند، به نظر من آن وقت می‌توانیم بگوییم که چرا الان از سینما و تلویزیون به سمت تئاتر می‌رویم. این جابه‌جایی‌ها همیشه براساس نوع کار و گذر زمانی که داریم و شرایطی که ایجاد می‌کند اتفاق می‌افتد و اتفاق بدی نیست.

خب این مسأله باعث رونق اقتصاد هنر و ارتباط بیشتر مردم با تئاتر شده است. اما برخی از هنرمندان منتقد این رویه هستند. بله. نمی‌دانم چرا در ذهن برخی منتقدان و در ذهن برخی از اهالی تئاتر فقیر بودن هنرمندان تئاتر افتخار است، در تمام دنیا هنرمندان تئاتر کسانی هستند که بعضی‌های آنها مالیات سنگین پرداخت می‌کنند و مالیات سنگین از درآمد بالا ناشی می‌شود. هنرمند باید بتواند مشتری اثر هنری خودش را داشته باشد و بیزینس هنری هم موفق باشد. به نظر شما امروزه موفقیت تئاتر به چه عواملی بستگی دارد؟

حمایت سالن‌های خصوصی تئاتر از طرف دولت؛ بخش نظارتی دولت نباید به یک سرت‌گیر برای موفقیت سالن‌های خصوصی تبدیل شود. کمک هزینه‌هایی برای گروه‌های تئاتری در نظر گرفته شود. ما متخصصان اقتصاد هنری را تربیت کنیم و پرورش دهیم، چون در تمام دنیا رشته تخصصی در دانشگاه دارد. الان خود مردم ما متوجه شده‌اند که علاوه بر فست‌فود، رستوران، شهربازی و فیلم کم‌دی یک جایی هم هست به نام تئاتر که می‌تواند اوقات خوبی را در آن بگذرانند و یک برداشت فرهنگی خوبی هم داشته باشند و سید کالای فرهنگی‌شان را هم از تئاتر ببر کرده‌اند. خوب به نظر من این اتفاق خوبی است. باید دولت از سالن‌های خصوصی و گروه‌های تئاتری حمایت و ارگان‌هایی را مجاب بکند که حتماً بلیت‌هایی را بخرند که سالن‌ها خالی نماند.

و مخاطب بیشتر در کارهای کم‌دی موفق‌تر خواهد بود. اما من فکر می‌کنم اگر حرف، حرف دل باشد و حرف دلی که منطق در آن باشد، قاعدتاً مخاطب خودش را پیدا می‌کند. یکی از مضامین مهمی که در این اثر دیده می‌شود، پدیده عشق است که نقاط عطف و موقعیت‌های قصه را تعیین می‌کند. دوست دارم نظر شما را نسبت به این پدیده و تأثیرش در این قصه را بدانم. من فکر می‌کنم خود اثر گویای همه این چیزهاست. وقتی راجع به سوسک‌ها صحبت می‌کنیم و من این دیالوگ را می‌گویم که «آن سوسک‌هایی که از خوردن گند و کثافات خسته شده‌اند و به دنیا می‌آید و خانه‌های ما می‌آیند و به دنیا می‌کند زندگی تازه‌تر هستند»، این در حقیقت تلاش انسان برای رستگاری است که عشق از نظر نویسنده این اثر یک راه رسیدن به رستگاری است و این رستگاری می‌تواند باعث عروج شود که در انتهای نمایش می‌بینیم. در این اثر هم به نظر من این تمایل رسیدن به رستگاری وجود دارد و نسخه‌ای که نویسنده پیچیده است، راهش عشق است.

نظر شما درباره حضور بازیگران سینما و تلویزیون در تئاتر چیست؟ این حضور چه تأثیرات و محاسنی را می‌تواند برای تئاتر به همراه داشته باشد؟ من سوال شما را با یک سوال دیگر جواب می‌دهم، چون تقریباً در چند روز اخیر این سوال از من پرسیده شده است. در سال گذشته در چند تئاتر چهره‌های سینمایی و تلویزیونی حضور داشته‌اند؟ فکر نمی‌کنم به الان در تهران با توجه به سالن‌های خصوصی که وجود دارد ما حداقل شبی بالای ۲۰ تئاتر در حال اجرا داریم و این خیلی خوب است. خوب وقتی در یک شب حدود بیست و چند تئاتر در حال اجرا داریم، حالا سه چهره هم در این تئاترها حضور داشته باشند به نظر من خیلی بحث نگران‌کننده‌ای نیست. ضمن این که ما

می‌خواستیم یک دراکولا را تجربه کنیم، آن هم یک دراکولا در صحنه نمایش ایران که درباره فرهنگ دراکولاها نه در تاریخمان چیزی وجود دارد و نه اصلاً به آنها اعتقاد خاصی داریم و این‌که ببینیم ارتباطش با مخاطب چطور می‌تواند باشد و مخاطب چقدر می‌تواند باورش کند. به نظر شما آیا این نمایش را می‌توان در حوزه آثار اجتماعی و انتقادی در نظر گرفت؟ به نظر من هر نمایش انتقاد به یک وضعی است؛ یا وضعی که در گذشته بوده، یا وضعی که در حال است، یا وضعی که در آینده قرار است اتفاق بیفتد. هر اثر نمایشی وقتی یک واقعیتی را نشان می‌دهد، در واقع دارد واقعیتی را نشان می‌دهد که می‌تواند باشد و یا نیست و قرار است اتفاق بیفتد. قاعدتاً این کار هم به دلیل فانتزی بودنش و نگاه نقادانه‌اش نسبت به روابط انسانی و نوع نگاه به زندگی به نظر من یک کار نقادانه است. چقدر معتقد هستید که زبان کم‌دی برای تأثیرگذاری آثار اجتماعی و انتقادی موفق‌تر است و به نوعی فاصله اثر را با مخاطب عام کمتر می‌کند؟ آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند؛ دیگر فرقی نمی‌کند در کار کم‌دی باشد یا جدی. اگر شما حرفی را که می‌زنید به آن اعتقاد داشته باشید و گروهی که دارد آن کار را اجرا می‌کند، به آن اعتقاد داشته باشد، در هر زانی که قرار بگیرد موفق عمل می‌کند، اما بالطبع مخاطب عام فضای شاد و کم‌دی را بیشتر دوست دارد. در نتیجه امکان برقراری ارتباط

خیلی نمی‌توانم به آن کم‌دی بگویم و بیشتر فانتزی است. در حوزه فانتزی در سینما آهوی پیشونی سفید بود و در حوزه تئاتر بعد از بنگاه تئاترال که امسال در سنگلج اجرا داشتیم، این دومین کار است. این نقش را چطور دیدید؟ یکی بحث فانتزی بود که خدمت‌تان عرض کردم. دوم این‌که

که در نمایش شکل می‌گیرد و آن تئاتری که من عادت داشتم کار کنم، شاید تا چند سال پیش حداقل سه ماه تمرین داشت و بعد یک کار استخوان‌دار و محکم اجرا می‌شد. ولی الان با توجه به شرایط موجود واقعاً این فرمول ثبت شده، یک ماه تمرین و یک ماه اجرا و درست زمانی که من بازیگر احساس می‌کنم رونود و پروسه خلاقیت من قرار است شکل بگیرد، باید به روی صحنه برویم و این باعث می‌شود اجراها آن سختی و قوامی را که باید یک اثر تئاتری داشته باشد، نداشته باشد. یک بخشش این است، یک بخشش هم گرفتاری‌های کارهای سینمایی و تلویزیونی خودم بوده است. ولی در ارتباط با تئاتر هنوز یک مقدار سخت‌گیر هستم، چون احساس می‌کنم هنوز آن بخشی است که از بازیگری لذت می‌برم و دوست دارم آن اثری را که می‌خوانم، احساس کنم تمام و کمال می‌توانم خودم را به آن اثر بسپارم و در پروسه تولید آن اثر لذت ببرم. خوب کم پیش می‌آید متنی را بخوانم که این جوری قفل‌کمک دهد. تئاتر مرثیه‌ای برای یک دراکولا چندمین تجربه بازی شما در حوزه کم‌دی و فانتزی است؟ خیلی نمی‌توانم به آن کم‌دی بگویم و بیشتر فانتزی است. در حوزه فانتزی در سینما آهوی پیشونی سفید بود و در حوزه تئاتر بعد از بنگاه تئاترال که امسال در سنگلج اجرا داشتیم، این دومین کار است. این نقش را چطور دیدید؟ یکی بحث فانتزی بود که خدمت‌تان عرض کردم. دوم این‌که



می‌شدم و خودم را در داستان می‌دیدم. یک بار من سر دکور سریال هزار داستان اثر همیشه ماندگار جناب آقای علی حاتمی رفتم و یک لحظه احساس کردم چه دنیای جالبی است و این آید و لباسی می‌پوشید و صدسال در تاریخ به عقب بر می‌گردید و هر چقدر فانتزی بازی زمان بیشتر باشد برای من جذاب‌تر است. شاید این‌که علاقه‌مندی من به تجربه زندگی‌ها و شغل‌های مختلف در آن دوره سنی باعث شد که این حرفه برای من جذاب باشد. اگر بحث اقتصاد زندگی نبود، مطمئناً بیشتر عمرم را در تئاتر صرف می‌کردم، اما به‌هر حال زندگی هزینه‌های خاص خودش را دارد و باید بپذیریم که در سینما و تلویزیون برداشت مالی قوی‌تر و بهتر هست و این باعث می‌شود هرازگاهی این طرف باشیم و هرازگاهی آن طرف. ولی اولویت من کلاً خود بازیگری و کارگردانی در تئاتر و سینما و تلویزیون است. هنوز دارم از بازیگری لذت می‌برم، به جز بخش شهرت‌ش. از انجام این کار لذت می‌برم. ولی اگر انتخاب من انتخابی بود که مسائل اقتصادی را می‌توانستیم کنار بگذاریم، تئاتر اولویتم بود. علاوه بر نکاتی که اشاره فرمودید چه عوامل دیگری باعث شده است در تئاتر کمتر حضور داشته باشید؟ آیا به خاطر حضور جدی‌تان در سینما و تلویزیون است یا دلایل دیگری هم دارد؟ این بخش هم هست. اما بخش دیگر این هست که من در دوره‌ای برای تئاتر تربیت شدم که تمرین تئاتر در ساعت مشخص و خاصی بود، اما الان معمولاً در اکثر موارد تمرینات از ساعت ۱۰ شب تا یک نصف شب است؛ یعنی کارهایی که به من پیشنهاد شد و من ناچار شدم رد کنم. ضمن این‌که به نظر من الان به دلیل شرایط اقتصادی شما یک ماه تمرین می‌کنید و بعد به اجرا می‌روید. در این یک ماه تکلیف شما با نقش، میزانشن و دیالوگ روشن شده و عنصر خلاقیت دقیقاً از ماه نخست به بعد است

پژمان دادخواه | امین زندگانی بازیگر برکار سینما، تلویزیون و تئاتر است که سال‌ها به‌طور پیوسته در زمینه‌های مختلف به ایفای نقش پرداخته و همواره خوش درخشیده است. آخرین حضور این هنرمند در عرصه تئاتر، نمایش مرثیه‌ای برای یک دراکولا است. به بهانه بازی در این نمایش و اطلاعات بیشتر با امین زندگانی به گفت‌وگو نشستیم. چه مولفه‌ها و خصوصیات در این نمایشنامه وجود داشت که توجه شما را در مقام یک بازیگر به خود جلب کرد و منجر به ایفای نقش در این نمایش شد؟ من وقتی این متن را خواندم یک فضای فانتزی داشت که برای من در اجرای این نمایش موضوع خیلی مهمی بود و کلاً بحث این‌که دراکولایی تصمیم گرفته است خون نخورد برای من یک‌سری جذابیت‌هایی داشت. همچنین بازیگران کار؛ خدا را شکر همان آدم‌هایی که روز نخست به من گفتند در کار تشریف داشتند و من سعادت داشتم در خدمت‌شان باشم. همه اینها باعث شد احساس کنم از آن کارهایی است که دوست دارم در آن بازی کنم. اصولاً معیارهای شما برای بازی در یک اثر چیست؟ وقتی یک کار به من پیشنهاد می‌شود، خودم را جای مخاطب می‌گذارم. یعنی وقتی فیلمنامه یا نمایشنامه را می‌خوانم اگر احساس کنم برای من هنگام خوانش جذاب هست، احساس می‌کنم در ساختن هم موفق واقع می‌شود. در اکثر مواقع هم حدس اشتباه نبوده است؛ یعنی کارهایی را که براساس کیفیت متن انتخاب کردم، نزدیک به ۸۰ درصد حدس من درست از آب درآمده و جزو کارهای پر مخاطب بوده است.

علاقه شما به بازیگری از چه زمانی شکل گرفت و چه چیزی باعث شد در این مسیر قدم بگذارید؟ راستش من از بچگی اهل تخیل بودم و کتاب‌های ژول ورن را دوست داشتم. اصولاً وقتی کتاب می‌خواندم، وارد فضای داستان

